

**برگرد به خونه**

بحثی درباره شکایت تمکین و نفقه ...

**بحثی درباره شکایت تمکین و نفقه**

شکایت تمکین یکی از اولین شکایت‌هایی است که مردان هنگام بروز اختلاف در زندگی خانوادگی و زمانی که همسر آنها زندگی مشترک خانوادگی را ترک می‌کنند، مطرح می‌کنند. برخی زنان ممکن است در جلسه اول دادگاه حضور پیدا نکنند و با برخی اقدامات سبب طولانی شدن مراحل رسیدگی به پرونده بشوند، اما برخی دیگر نیز شیوه دیگری را در پیش می‌گیرند و در مقابل دادخواست تمکین، دادخواست دیگری ارائه می‌کنند تا در مقابل حق خواهی همسر خود، آنها نیز حقی را مطالبه کنند. این دادخواست جدید و طرح آن شامل مراحل می‌شود که از آن با عنوان دعوی تقابل نام برده می‌شود. معنی و مفهوم این اصطلاح حقوقی نیز آن‌گونه که قاضی عموزادی توضیح می‌دهد طرح دادخواستی در مقابل دادخواست دیگر است. مثلاً اگر مردی شکایت تمکین مطرح کند، همسر او دادخواست نفقه می‌دهد.

البته عکس این حالت نیز وجود دارد و زمانی که زن دادخواست نفقه می‌دهد، مرد نیز می‌تواند دادخواست تمکین بدهد. دعوی تقابل در مواردی مطرح می‌شود که موضوع شکایت‌ها به نحوی به یکدیگر ارتباط داشته و در یکدیگر موثر باشد. شیوه طرح دعوی نیز این‌گونه است که پس از اطلاع یکی از طرفین از طرح چنین شکایتی، طرف دیگر می‌تواند دادخواستی با همان موضوع دیگر نفقه در مقابل تمکین یا بالعکس به دادگاه ارائه کند. فایده چنین مساله‌ای هم یک چیز است و آن هم فراهم آمدن زمینه‌ای برای رسیدگی توأمان به ۲ پرونده است. به گفته قاضی عموزادی، اگر یکی از طرفین ابتدا به دادگاه دادخواست داده باشد، طرف دیگر می‌تواند موضوع دادخواست خود را در جلسه اول رسیدگی به پرونده طرف مقابل مطرح کند. دعوی تقابل نیز اغلب درباره پرونده‌های تمکین و نفقه گذشته مطرح می‌شود.

**دادخواست تامین مسکن**

از دیگر دادخواست‌هایی که معمولاً در دعوی تقابل از سوی زنان در مقابل تمکین مطرح می‌شود، دادخواست تامین مسکن است. قانون برای مردان این حق را قائل شده که همسرانشان از آنها تمکین کنند. حتی در زمینه نفقه این مساله وجود دارد که نفقه فرع بر تمکین است، اما داشتن هر حقی و بهره‌برداری از آن نیز از نظر قانونی مستلزم وجود شرایطی است که باید برای احقاق آن حق فراهم شود. یکی از شرایط تمکین نیز این است که زن از حضور در خانه همسر خود خوف یا ترسی ناشی از ایجاد ضرر جسمانی، مالی و شرافتی نداشته باشد. به گفته این قاضی شوهر نمی‌تواند همسر خود را به باد کتک و بد و بیراه بگیرد و از او تقاضای تمکین هم نداشته باشد و اگر زنی با چنین مسائلی مواجه باشد و همسرش دادخواست تمکین بدهد، زن می‌تواند با استفاده از دعوی تقابل، دادخواست تهیه منزل مستقل به دادگاه ارائه کند و شرط تمکین خود را تهیه منزل مناسب و مستقل و متناسب با شان خود قرار دهد. در چنین مواقعی مردان علاوه بر تهیه منزل مسکونی باید وسایل و لوازم مورد نیاز برای زندگی مشترک را نیز تامین کنند، چون طبق قانون زن وظیفه‌ای برای تهیه وسایل منزل و جهیزیه ندارد. مسکن مناسب نیز از نظر دادگاه معمولاً جایی است که به طور عادی بتوان در آن زندگی کرد. اگر مردی با همسرش در خانه پدری زندگی می‌کرده، در صورت بروز اختلاف و ارجاع مساله به دادگاه او ملزم به تهیه منزلی مستقل است و زن می‌تواند تا وقتی منزل مستقل تهیه نشده از تمکین خودداری کند. دادگاه نیز پس از بررسی این مسائل در صورت درست بودن حرف‌های زن، دادخواست او را برای تهیه منزل می‌پذیرد.

قاضی عموزادی در ادامه اضافه می‌کند: نفقه در قانون اعم از مسکن، خوراک و پوشاک است. زن می‌تواند دادخواست نفقه بدهد که نفقه تمامی این موارد را شامل می‌شود و بر اساس نظر کارشناسی، هزینه‌های مذکور محاسبه و به وی پرداخت می‌شود، اما در شکایت دادخواست تامین مسکن زن می‌تواند فقط مسکن را مطالبه کند. البته در شکل سوم هم ممکن است زن مسکنی داشته باشد و فقط تقاضای نفقه مطرح کند که باز هم بر اساس نظر کارشناسی، هزینه مسکن از نفقه وی کسر می‌شود.

**خانه‌ای برای زندگی نکردن**

یکی از شیوه‌هایی که مردان در شکایت‌های تمکین از آن بهره می‌برند، تهیه منزل در نقاط بسیار پرت و دور افتاده است. طبق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی تعیین مسکن از ناحیه زوج صورت می‌گیرد و هرکجا او مشخص کند، باید زندگی مشترک شکل بگیرد، زنان در موقعیتی قرار می‌گیرند که با عدم حضور در آن خانه طی ادامه جلسات رسیدگی ناشزه شده و حق نفقه آنها از میان می‌رود. البته برخی زنان با دریافت حق انتخاب مسکن شرایطی را برای خود فراهم می‌کنند که دیگر دچار چنین مشکلاتی نمی‌شوند. قاضی عموزادی درباره حق انتخاب مسکن نیز که معمولاً در پرونده‌های تمکین مورد استفاده خانم‌ها قرار می‌گیرد، به نکته جالبی اشاره می‌کند و می‌گوید: در برخی موارد زنان با داشتن حق انتخاب مسکن می‌توانند تمکین از همسر خود را منوط به تهیه مسکن دلخواه کنند. در تشریح این حق باید گفت از نظر قانون منزل مشترک را مرد تعیین می‌کند؛ اما اگر چنین

حقی به زن داده شده باشد او می‌تواند منزل مسکونی مورد نظر خود را معرفی و در صورت تهیه آن از سوی مرد با حضور در آن منزل از وی تمکین کند. این حق این امکان را به زن می‌دهد که اگر در دوران زندگی مجردی در محله ای خاص مثلا بالای شهر زندگی می‌کرده، در آغاز دوران زندگی مشترک نیز در همان محله همسرش برای او منزل تهیه کند.

حق انتخاب مسکن نیز مانند هر حق دیگری ممکن است در دادگاه مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کند. در توضیح این نکته که در پرونده‌هایی که حق انتخاب مسکن با توجه است چه مسائلی به وجود می‌آید، قاضی عموزادی چند نکته مهم را توضیح می‌دهد و می‌گوید: گاهی زن با استفاده از حق انتخاب مسکن خود در یک محله گرانیقیمت شهر انتخاب مسکن می‌کند. احکام مربوط به پرونده تمکین نیز مانند دیگر دعاوی حقوقی قابل تجدید نظرخواهی است و بعد از صدور حکم قطعی مرد می‌تواند تقاضای صدور اجرائیه کند

مرد نیز موظف است در همان محدوده برای همسرش خانه‌ای ولو کوچک تر و قدیمی‌تر بگیرد تا زندگی مشترک آنها آغاز شود. اما اگر زن از این حق خود استفاده نکند و در منزلی که همسرش انتخاب کرده چند وقت یا چند سال با او زندگی مشترک و تمکین خاص و عام از او داشته باشد؛ در صورتی که حق انتخاب مسکن را بهانه عدم تمکین قرار دهد و از زندگی مشترک همسر خود خارج شود این مساله در دادگاه قابل بررسی است و به نظر این قاضی دادگاه ممکن است در چنین پرونده‌ای حکم به تمکین زن بدهد. زیرا زن از ابتدا از حق خود استفاده نکرده و حالا این مساله را بهانه عدم تمکین قرار داده است. پس اگر زن از حق انتخاب مسکن برخوردارند، بهتر است از این حق خود در ابتدای زندگی استفاده کنند.

ممکن است بسیاری از مردم تصور کنند مقدمه تمکین زن از مرد، برگزاری مراسم ازدواج به شکل رسمی و تدارک جشن عروسی است، اما زن به محض وقوع عقد، در مقابل حقی که برای دریافت نفقه پیدا می‌کند ملزم به تمکین نیز می‌شود. البته اگر زن و شوهری بخواهند در این مرحله کار را حسابی قانونی کنند، می‌توانند برگزاری مجلس عقدکنان را به همان روز عروسی موکول کنند یا این‌که در عقدنامه شرط کنند تمکین خاص و آغاز زندگی مشترک منوط به برگزاری جشن عروسی و ازدواج است.

تمکین به شرط مهریه

در مباحث قبلی مربوط به مهریه به حق حبس نیز اشاره کردیم و این نکته قید شد که زن می‌تواند شرط تمکین از همسر خود را دریافت مهریه قرار دهد. با توجه به بروز اختلاف‌های خانوادگی متعدد در دوره عقد، مردان بسیاری پیش از آغاز رسمی زندگی مشترک از همسر خود شکایت تمکین می‌کنند. در مقابل زنان نیز اگر تا آن زمان از همسر خود تمکین نکرده و باکره باشند، می‌توانند با استفاده از حق حبس خود، تا زمانی که مهریه را کامل دریافت نکرده اند از تمکین خودداری کنند. البته برخی از این زنان همزمان با دریافت مهریه دادخواست نفقه گذشته نیز مطرح می‌کنند که به گفته قاضی عموزادی دادگاه با بررسی این مساله در برخی موارد حکم به دریافت نفقه نیز می‌دهد. این قاضی دادگاه خانواده در ادامه اضافه می‌کند: در حال حاضر برخی خانم‌ها که مهریه آنها به حکم دادگاه قسطی شده، تا زمانی که مهریه خود را کامل دریافت نکنند می‌توانند از تمکین خودداری نمایند و با توجه به برخی مبالغ سنگین مهریه، ممکن است پرداخت مهریه ۳۰ سال طول بکشد. این مساله مشکلات زیادی را در زمینه تمکین ایجاد کرده و بهتر است قانونگذاران ما این قانون را به گونه‌ای تغییر دهند که زنان بعد از دریافت مهریه حتی به اقساط ملزم به تمکین از همسر خود شوند والا اگر قرار باشد زنی مثلا بعد از دریافت کامل ۳۰۰ سکه مهریه خود از همسرش تمکین کند، این مساله ۲۵ سال طول خواهد کشید و برای زنی که در سن ۲۵ سالگی است، دریافت کامل مهریه و به دنبال آن تمکین به زمانی موکول می‌شود که عملا این مساله ممکن نیست.

نکته پایانی درباره بحث تمکین اثبات تمکین خاص است. این مساله بسیار سخت و پیچیده است و اثبات آن در دادگاه‌های خانواده به سختی صورت می‌گیرد. اغلب فرض بر این است که وقتی زن در خانه همسرش است، علاوه بر تمکین عام از او تمکین خاص نیز دارد، اما گاهی زنان حاضر به تمکین خاص نمی‌شوند و اثبات آن مساله تنها از طریق اقرار زن به عدم تمکین ممکن است و اگر زن به این موضوع اقرار نکند، نمی‌توان آن را اثبات کرد. زیرا وقتی زن در خانه مشترکی با همسر خود و در زیر یک سقف زندگی می‌کند، می‌تواند بگوید تمکین خاص دارد و این ادعای وی مورد وصول است.

احکام مربوط به پرونده تمکین نیز مانند دیگر دعاوی حقوقی قابل تجدید نظرخواهی است و بعد از صدور حکم قطعی، مرد می‌تواند تقاضای صدور اجرائیه کند. این اجرائیه جنبه اعلامی دارد و برای زن ارسال می‌شود و به او فرصت داده می‌شود برای آغاز زندگی مشترک به منزل مسکونی همسرش بازگردد. زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه و اعلام آمادگی کتبی برای بازگشت به زندگی پرونده را به پایان برساند اما اگر زن حاضر به بازگشت به زندگی مشترک نباشد و پاسخی به اجرائیه ندهد، کار تمام شده محسوب می‌شود و زن دیگر مستحق نفقه نخواهد بود و مرد می‌تواند دادخواست ازدواج مجدد به دادگاه بدهد. درباره این دادخواست و چگونگی طرح آن در شماره آینده اطلاعاتی کسب می‌کنید.

رضا استادی

روزنامه جام جم ( www.jamejamonline.ir )